

عروض رودکی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- نخستین گروه جامع از اوزان شعری فارسی

در تاریخ عروض ایران مطالعه اوزانی که رودکی در اشعار خود بکار برده است فصل مستقل و مهمی است زیرا تا آنجا که متون موجود حکایت میکنند در ایران اسلامی کاملترین مجموعه اوزان عروضی فارسی نخستین بار در اشعار رودکی ظاهر شد. پس هر بحثی که درباره منبع و اصالت این اوزان پیش بیاید ناچار در پیرامون اشعار رودکی دور خواهد زد.

۲- رودکی چاپ براگینسکی

تا آنجا که من دیده‌ام جامعترین و دقیقترین مجموعه اشعار رودکی (هر چند

که خالی از بعضی اشتباهات جزئی نیست) همان است که استاد براگینسکی در سال ۱۹۶۴ مسیحی در مسکو به چاپ رسانده است. براگینسکی در تألیف این کتاب مهم از جمیع منابع موجود استفاده کرده همه اشعار را نیز به زبان روسی ترجمه نموده است. بعلاوه، دو صفحه مقدمه و یکصد و بیست و هشت صفحه یادداشت‌های انتقادی به زبان روسی بر کتاب خود نوشته است که من بمناسبت عدم آشنائی به این زبان متأسفانه قادر به استفاده از آن نیستم. امیدوارم هرچه زودتر این مقدمه و یادداشت‌ها به زبان فارسی (بلکه به زبانهای انگلیسی و فرانسه نیز) برای روشن شدن ذهن علاقمندان مانند من ترجمه و چاپ شود.

در کتاب براگینسکی صفحات زوج شامل متن فارسی اشعار و صفحات فرد شامل ترجمه هر بیت فارسی به زبان روسی در مقابل آن است. تقسیمات داخلی کتاب (شوای مقدمه و یادداشت‌ها) از این قرار است:

| مطلب | صفحات | قسمت |
|--|------------|------|
| اشعار گوناگون (قصیده و غزل و قطعه) | ۸ تا ۱۱۶ | ۱ |
| رباعیات | ۱۲۰ تا ۱۴۴ | ۲ |
| تک‌بیتها | ۱۴۸ تا ۲۰۴ | ۳ |
| ایات از مثنوی کلیده و دمنه بروزن فاعلاتن: فاعلاتن. فاعلن | ۲۰۸ تا ۲۴۶ | ۴ |
| ایات مثنوی بروزن فعولن. فعولن: فعولن. فعو | ۲۵۰ تا ۲۶۲ | ۵ |
| ایات مثنوی بروزن فاعلاتن: مفاعلن. فعلن | ۲۶۶ تا ۲۷۲ | ۶ |
| ایات مثنوی بروزن مفاعیلن: مفاعیلن. مفاعی (فعولن) | ۲۷۶ تا ۲۷۸ | ۷ |
| ایات متفرق در اوزان مختلف | ۲۸۲ تا ۲۸۴ | ۸ |
| اشعار منسوب به رودکی در «ترجمان البلاغه» رادویانی | ۲۸۸ تا ۲۹۶ | ۹ |
| » » » در «دانشنامه» قدرخان | ۳۰۰ تا ۳۰۸ | ۱۰ |
| » » » در «تحفة الاحباب» حافظ اوبهی | ۳۱۲ تا ۳۱۴ | ۱۱ |
| » » » در «فرهنگ‌نامه» حسین وفائی | ۳۱۸ تا ۳۲۲ | ۱۲ |
| » » » ارسالی سعید نفیسی | ۳۲۶ تا ۳۳۶ | ۱۳ |
| » » » که به قطران نیز منسوب است | ۳۴۰ تا ۳۵۰ | ۱۴ |
| » » » از لغت فرس‌اسدی به تصحیح عباس اقبال | ۳۵۴ تا ۳۸۲ | ۱۵ |

بنا بر حسابی که من کرده‌ام براگینسکی در این کتاب مجموعاً ۱۰۱۲ بیت شعر
بنام رودکی ضبط کرده‌است و این کاملترین مجموعه اشعار منسوب به رودکی است
که عجالتاً در دسترس ماست.

۳. انتساب شعر به شاعران مختلف

متأسفانه نمیتوان مطمئن بود که همه این ابیات از رودکی است. بعضی از این
اشعار به شعرای دیگر نیز منسوب است. مثلاً بیت ذیل را:

خوشا شراب غار جی با دوستان یکدله
گیتی به آرام اندرون مجلس به شور و ولوله
(بر اگینسکی صفحه ۱۹۰)

بعنوان بیت اول از يك قطعه دو بیتی منسوب به شاکر بخاری (شاعر اواسط
قرن چهارم هجری قمری) که دومین بیت آن ذیلاً نقل میشود می‌بینیم:

مجلس پر اشیده همی، میوه خراشیده همی
نقل پاشیده همی بر چاکران کرده یله
(تاریخ ادبیات در ایران تألیف استاد دکتر ذبیح‌الله صفا
جلد اول، صفحه ۴۰۳)

همین بیت را در محل دیگری که الساعه متأسفانه در خاطر ندارم به نام شاعر
ثالثی نیز دیده‌ام.

در محل اخیر بجای «آرام» در مصرع دوم کلمه «سیماب» ضبط شده است که
البته منظور از آن «برف» است و بیت را بسیار لطیفتر و قویتر میسازد زیرا حاکی از آن
است که دنیا را برف گرفته‌است ولی دوستان در اطاقی گرم و محفوظ به خوردن و
نوشیدن و سخن گفتن بایکدیگر و شاید نیز شنیدن ساز و آواز مشغول هستند.
نیز این بیت دیگر:

ندارد میل فرزانه به فرزند و به زن هرگز
بود نسل این هردو، نبود نسل فرزانه
(بر اگینسکی صفحه ۱۹۶)

با تغییر در مصرع اول («نباشد» به جای «ندارد») به کسائی امروزی

نیز منسوب است و بعنوان بیت دوم از يك قطعه پنج بيتی بنام اوضبط شده است.
(استاد دکتر ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران.
جلد اول . صفحه ۴۴۹)

و بالاخره در کتاب براگینسکی عنوان سی و نه بیت که در صفحات ۳۴۰ تا ۳۵۰
به چاپ رسیده است چنین است: «ابیاتی که به روایاتی منسوب به قطران تبریزی میباشد.»
استاد دکتر صفا نیز در صفحه ۳۸۱ از تاریخ ادبیات خود نوشته اند:

«مقداری از اشعار رود کی در دیوان قطران تبریزی راه جسته و دیوانی هم که
از رود کی به طبع رسیده حاوی اشعاری از قطران است که یکی از غلطی این اختلاط
به عقیده دکتر صفا محتملاً آن است که نام ممدوح رود کی (نصر) با کنیه ممدوح
قطران (ابو نصر مملان) اشتباه شده است.

پس تنها سخنی که میتوان با اطمینان گفت این است که اشعار جمع آوری شده
در کتاب استاد براگینسکی منسوب به رود کی است و عجالتاً اشعار دیگری بر او منسوب
نیست.

۴. حاشیه اشتباه

از اینرو باید حاشیه اشتباهی برای نتایج هر گونه مطالعات انتقادی که بر اساس
این مجموعه بعمل بیاید قائل شویم . در مورد نتایج تحقیق حاضر اگر این حاشیه اشتباه
از حدود ده درصد تجاوز نکند من خوشوقت و شکر گزار خواهم بود .

۵ - استفاده عروضی از اشعار منسوب به رود کی

ماه مه از گم شدن دیوان رود کی متأسف بلکه سوگوار هستیم . ولی تا کنون
درست توجه نشده است به این که هر مصرع شعری که از او مانده است از نظر عروضی
کاملاً قابل استناد است و به عبارت دیگر میتواند برای ما ثابت کند که رود کی آن وزن
را بکار برده است .

سؤال بعدی ناچار این است که «تا آنجا که اشعار باز مانده از او میتوانند به ما
کمک کنند رود کی از چند وزن مختلف در اشعار خود استفاده کرده است؟» این مقاله
موقوف به مطالعه ای اجمالی در جستجوی جواب همین سؤال و نتایج مستنبط از آن
است . قبلاً میخواهم بگویم که نتیجه روشن میکند که رود کی یکی از عروض دان-
ترین شعرای زبان فارسی است و لا اقل سی و پنج وزن مختلف در اشعار منسوب به او

یافت میشود. اما قبل از ورود به بحث مستقیم دربارهٔ عروض رودکی گمان میکنم مناسب باشد که بعنوان مقدمه چندسطری دربارهٔ اوزان عادی فارسی بنویسم.

۶ - اوزان کثیرالاستعمال در زبان فارسی

برطبق فرضیه‌ای که من ارائه کرده‌ام و مطالب مقدماتی و ارقام تقریبی مربوط به آن در ضمن مقاله تحت عنوان «عروض مولوی» در «خرد و کوشش» (دوره دوم، دفتر اول، اردیبهشت ۱۳۴۹) به چاپ رسیده است لااقل نودوپنج درصد از همه اشعار فارسی در دورهٔ اسلامی به یکی از سی و سه وزن عروضی ساخته شده است. این اوزان که ناچار بعضی از آنها (مخصوصاً شماره های ۱۱، ۱۵، ۱۹ و ۲۱) نسبت به بقیه کمتر در اشعار فارسی به کار رفته‌اند ازین قرار هستند:

جدول ۱: اوزان کثیرالاستعمال فارسی

| | |
|----|---------------------------------------|
| ۱ | مفاعیلن . مفاعیلن : مفاعیلن . مفاعیلن |
| ۲ | مفاعیلن : مفاعیلن . فعولن |
| ۳ | مفاعلن . فعلاتن : مفاعلن . فعلاتن |
| ۴ | لن . فعلاتن : مفاعلن . فعلاتن |
| ۵ | مفاعلن . فعلاتن : مفاعلن . فعلن |
| ۶ | فعلاتن : مفاعلن . فعلن |
| ۷ | فاعلاتن . فاعلاتن : فاعلاتن . فاعلاتن |
| ۸ | فاعلاتن . فاعلاتن : فاعلاتن . فاعلن |
| ۹ | فاعلاتن : فاعلاتن . فاعلن |
| ۱۰ | فعلاتن . فعلاتن : فعلاتن . فعلاتن |
| ۱۱ | علاتن . فعلاتن : فعلاتن . فعلاتن |
| ۱۲ | لاتن . فعلاتن : فعلاتن . فعلاتن |
| ۱۳ | فعلاتن . فعلاتن : فعلاتن . فعلن |
| ۱۴ | فعلاتن : فعلاتن . فعلن |
| ۱۵ | فعلاتن . مفاعلن : فعلاتن . مفاعلن |
| ۱۶ | لاتن . مفاعلن : فعلاتن . مفاعلن |

| | |
|----|---------------------------------------|
| ۱۷ | مستفعلن . مستفعلن : مستفعلن . مستفعلن |
| ۱۸ | مستفعلن . فعولن : مستفعلن . فعولن |
| ۱۹ | مستفعلن . فعولن : مستفعلن . فعولن |
| ۲۰ | مستفعل . مفعولن : مستفعل . مفعولن |
| ۲۱ | مفتعلن . مفتعلن : مفتعلن . مفتعلن |
| ۲۲ | لن . مفتعلن : مفتعلن . مفتعلن |
| ۲۳ | مفتعلن . مفتعلن : مفتعلن . فاعلن |
| ۲۴ | مفتعلن . مفاعلن : مفتعلن . مفاعلن |
| ۲۵ | مفتعلن . فاعلن : مفتعلن . فاعلن |
| ۲۶ | فعولن . فعولن : فعولن . فعولن |
| ۲۷ | فعولن . فعولن : فعولن . فعو |
| ۲۸ | لاتن : فعلاتن . مفاعلاتن |
| ۲۹ | تاتن : مفاعلن . فعلاتاتن |
| ۳۰ | فعلاتتن . فعولن : فعلاتتن . فعولن |
| ۳۱ | عولن : فعلاتتن . فعولن |
| ۳۲ | عیلن : فعلاتتن . مفاعیلن |
| ۳۳ | : مستفعلاتن . مستفعلاتن |

اینک به توضیح چند نکته کلی عروض در باره جدول فوق میپردازم . این نکات البته شامل جدولهای مربوط به رود کنی نیز میشوند .

۷ - نکاتی درباره پایه‌ها و مرکوزتقارن عروضی

پس از هر پایه (یا قسمت نهائی هر پایه در صورت حذف يك یا چند سیلاب از آغاز آن) يك نقطه گذاشته شده است تا معلوم بدارد که پایه در این محل پایان میپذیرد و پایه بعدی از همانجا آغاز میگردد . هر پایه عروضی در حقیقت يك گروه از سیلابهاست که مجموعاً واحد مشخص و مستقلی از آهنگ کامل مصرع شعر را تشکیل میدهد و بعنوان پایه یا واحد آهنگ ، قابل تقسیم به قسمتهای کوچکتری نیست . از آن گذشته، هر پایه با پایه‌ای که دو فاصله قبل یا بعد از خودش در وزن قرار گرفته است عیناً یکی

است . بعبارت دیگر در وزن کامل همواره پایه اول عین پایه سوم و پایه دوم عین پایه چهارم است .

اما میان پایه های دوم و سوم در هر وزن کامل بجای يك نقطه دو نقطه گذاشته شده است تا برساند که نه تنها فاصله میان پایه های دوم و سوم بلکه مرکز تقارن عروضی وزن نیز همینجا است ، یعنی نیمه اول مصرع (یا نخستین پایه های دو گانه آن) به همینجا پایان میپذیرد و تکرار آن برای نوبت دوم در وزن از همینجا آغاز میگردد . این اصول عیناً در وزنهای محذوف نیز رعایت شده است

مرکز تقارن عروضی وزن (که چنانکه گفته شد در فاصله میان دومین و سومین پایه وزن کامل قرار دارد) هیچوقت بر اثر هیچ نوع حذفی مورد تأثیر قرار نمیگیرد و همواره در وزن به جای خود استوار است .

۸ - وزن کامل و اوزان محذوف

وزن شعر فارسی اگر کامل (یعنی مرکب از چهار پایه کامل عروضی منقسم به دو گروه کاملاً متقارن که هر گروه مرکب از دو پایه است) نباشد محذوف است. وزن محذوف به یکی از سه طریق ذیل از وزن کامل مشتق میشود:

الف : حذف آخرین سیلاب

ب : حذف آخرین سیلاب و تمام اولین پایه

ج : حذف يك یا چند سیلاب از آغاز .

۹ - بعضی نقائص و اشتباهات در عروض سنتی ایران

در عروض سنتی ایران تا آنجا که اطلاع داریم هیچ توجهی به چهار نکته عمده ذیل نشده است :

الف : حذف از آغاز وزن، که اتفاقاً مهمترین نوع حذف عروضی است

ب : وجود پایه های عروضی پنج سیلابی

ج : لزوم دراز بودن آخرین سیلاب در هر پایه (و بالتبع در هر وزن) عروضی

د : تقارن دقیق و کامل میان نیمه اول و نیمه دوم مصرع عروضی

بالنتیجه در تقسیم عدده معتنا بهی از اوزان فارسی به پایه های عروضی اشتباه رخ داده است . اما بر رعایت چهار نکته فوق میتوان امروزه تعدیل پایه ها در اوزان مزبور اقدام نمود- به این ترتیب خانواده هر وزن اعم از کامل و محذوف بنحوی

روشنتر و ساده تر و دقیقتر معین میگردد. جدول ساده تطبیقی ذیل پایه بندی های سنتی و علمی را در مورد چند وزن عادی نشان میدهد.

جدول ۲ : مقایسه بعضی فرمولهای عروضی سنتی و علمی
 فرمول سنتی وزن فرمول علمی همان وزن

| | | | | | | |
|--------|---------|---------|---------|---------|---------------------|---------|
| مفتعلن | فاعلات | مفتعلن | فع | لن | فاعلاتن : مفاعلن . | فاعلاتن |
| مفاعیل | مفاعیل | مفاعیل | مفاعیل | علاتن | فاعلاتن : فاعلاتن . | فاعلاتن |
| مفعول | مفاعیل | مفاعیل | مفاعیل | لاتن | فاعلاتن : فاعلاتن . | فاعلاتن |
| مفعول | مفاعیل | مفاعیل | فعول | لن | مفتعلن : مفتعلن . | مفتعلن |
| مفعول | فاعلات | مفاعیل | فاعلن | لاتن | مفاعلن : فاعلاتن . | مفاعلن |
| فاعلات | فاعلاتن | فاعلات | فاعلاتن | فاعلاتن | فاعلاتن : فاعلاتن . | فاعلاتن |
| مفعول | مفعول | مفاعلن | مفاعیل | عولن | فاعلاتن : فاعلاتن . | فاعلاتن |
| مفعول | مفاعلن | مفاعیلن | مفاعیلن | عیلن | فاعلاتن : فاعلاتن . | مفاعیلن |

۱۰ - گروه بندی اوزان بر اساس نخستین پایه عروضی

اگر اساس مطالعه اوزان رود کی را به پایه های اول عروضی هر یک از آنها منحصر کنیم جدول ذیل بدست میآید که آن اوزان را به سیزده گروه تقسیم میکند و در هر گروه هر پایه دیگر عروضی را که با پایه اول ترکیب میشود نشان میدهد، چنانکه ملاحظه میشود هفت گروه اول بر اساس پایه های چهار سیلابی ساخته شده اند و دو گروه بعد بر اساس پایه های سه سیلابی و چهار گروه آخر بر اساس پایه های پنج سیلابی هستند.

جدول ۳ - پایه های اول عروضی در اشعار رودکی

و وجوه ترکیب هر یک از آنها با پایه دوم

| گروه | پایه اول | پایه دوم | پایه دوم | پایه دوم | عده سیلابهای پایه عمده | | | |
|------|----------|----------|----------|----------|------------------------|----|--------|---|
| ۱ | مفاعیلن | با | مفاعیلن | | ۴ | | | |
| ۲ | مفاعلن | با | فاعلاتن | یا | فاعلن | ۴ | | |
| ۳ | فاعلاتن | با | فاعلاتن | | ۴ | | | |
| ۴ | فاعلاتن | با | فاعلاتن | یا | فاعلن | یا | مفاعلن | ۴ |

| | | | |
|----|----------|-----------------------|---|
| ۵ | مستفعلن | با مستفعلن یا فعولن | ۴ |
| ۶ | مستفعل | با مستفعل یا مفعولن | ۴ |
| ۷ | مفتعلن | با مفتعلن یا فاعلن | ۴ |
| ۸ | فعولن | با فعولن | ۳ |
| ۹ | مفعولن | با مفعولن | ۳ |
| ۱۰ | مفاعلاتن | با مفاعلاتن یا فعلاتن | ۵ |
| ۱۱ | فعالئاتن | با مفاعلن | ۵ |
| ۱۲ | فعالئاتن | با فعولن یا مفاعیلن | ۵ |
| ۱۳ | مفتعلاتن | با مفاعلن | ۵ |

۱۱- گروه‌بندی اوزان بر اساس نیمه مصرع

چون تقارن دقیق در میان دو نیمه هر مصرع یکی از اصول اساسی عروض فارسی است و هر نیمه از وزن کامل متشکل از دو پایه مستقل عروضی است به نظر من پایه منفرد عروضی برای تشخیص خانواده وزن شعر در فارسی هر چند مفید است کافی نیست. پس اگر نیمه مصرع (و به عبارت دیگر نخستین پایه‌های دو گانه وزن کامل) را اساس قرار بدهیم کار خیلی ساده‌تر و تشخیص وزن شعر و خانواده عروضی آن دقیق‌تر و روشن‌تر می‌شود. در مورد رود کی جدول ذیل به دست می‌آید:

جدول ۴ - پایه‌های دو گانه عروضی (نیم مصرع‌ها) در اشعار رود کی

| شماره گروه | پایه اول | پایه دوم | ملاحظات |
|------------|------------|----------|---|
| ۱ | مفاعیلن . | مفاعیلن | بر اساس يك پایه چهار سیلابی |
| ۲ | مفاعلن . | فعالئاتن | » دو » » |
| ۳ | مفاعلن . | فاعلن | » يك پایه چهار سیلابی و يك پایه سه سیلابی |
| ۴ | فاعلاتن . | فاعلاتن | » يك پایه چهار سیلابی |
| ۵ | فعالئاتن . | فعالئاتن | » » » |
| ۶ | فعالئاتن . | فعالن | » » » و يك پایه سه سیلابی |

| | | |
|----|---------------------|--|
| ۷ | فعلاتن . مفاعلن | » دو پایه چهار سیلابی |
| ۸ | مستفعلن . مستفعلن | » » » يك » » » |
| ۹ | مستفعلن . فغولن | » » » » » ويك پایه سه سیلابی |
| ۱۰ | مستفعل . مستفعل | » » » » » » » » » |
| ۱۱ | مستفعل . مفعولن | » » » » » ويك پایه سه سیلابی |
| ۱۲ | مفتعلن . مفتعلن | » » » » » » » » » |
| ۱۳ | مفتعلن . فاعلن | » » » » » ويك پایه سه سیلابی |
| ۱۴ | فعلولن . فعلولن | » دو پایه سه سیلابی |
| ۱۵ | مفعولن . مفعولن | » » » » » » » » » |
| ۱۶ | مفاعلاتن . مفاعلاتن | » يك پایه پنج سیلابی |
| ۱۷ | فعلاتن . مفاعلاتن | در این وزن برخلاف معمول پایه درازتر پایه دوم است (۴ + ۵) |
| ۱۸ | مفاعلن . فعلاتن | در این وزن برخلاف معمول پایه درازتر پایه دوم است (۴ + ۵) |
| ۱۹ | فعلاتن . فعلولن | در این يك پایه پنج سیلابی ويك پایه سه سیلابی |
| ۲۰ | فعلاتن . مفاعیلن | در این يك پایه پنج سیلابی ويك پایه چهار سیلابی |
| ۲۱ | مفتعلاتن . مفاعلن | در این » » » » » » » » » |

۱۲ - جدول اوزان اشعار رودکی

وبالآخره جدول اوزان عروضی که مجموعه اشعار منسوب به رودکی بر طبق آنها ساخته شده است با حفظ همان ترتیب که در جدول شماره ۴ (بر اساس پایه های دو گانه عروضی) رعایت شد چنین خواهد بود.

جدول ۵: اوزان عروضی در اشعار رودکی

گروه اول

| | |
|---|---------------------------------------|
| ۱ | مفاعیلن . مفاعیلن : مفاعیلن . مفاعیلن |
| ۲ | مفاعیلن . مفاعیلن : مفاعیلن . مفاعی |

گروه دوم

- ۳ مفاعِلن . فعلاَتِن : مفاعِلن . فعلاَتِن
۴ لَن . فعلاَتِن : مفاعِلن . فعلاَتِن
۵ عَلاَتِن : مفاعِلن . فعلاَتِن
۶ مفاعِلن . فعلاَتِن : مفاعِلن . فعَلن
۷ فعلاَتِن : مفاعِلن . فعَلن

گروه سوم

- ۸ مفاعِلن . فاعِلن : مفاعِلن . فاعِلن

گروه چهارم

- ۹ تَن : فاعِلاَتِن . فاعِلاَتِن
۱۰ فاعِلاَتِن . فاعِلاَتِن : فاعِلاَتِن . فاعِلن
۱۱ فاعِلاَتِن : فاعِلاَتِن . فاعِلن

گروه پنجم

- ۱۲ عَلاَتِن . فعلاَتِن : فعلاَتِن . فعلاَتِن
۱۳ لاَتِن . فعلاَتِن : فعلاَتِن . فعلاَتِن
۱۴ عَلاَتِن : فعلاَتِن . فعلاَتِن
۱۵ فعلاَتِن . فعلاَتِن : فعلاَتِن . فعَلن
۱۶ فعلاَتِن : فعلاَتِن . فعَلن

گروه ششم

- ۱۷ فعلاَتِن . فعَلن : فعلاَتِن . فعَلن

گروه هفتم

- ۱۸ فعلاَتِن . مفاعِلن : فعلاَتِن . مفاعِلن
۱۹ لاَتِن . مفاعِلن : فعلاَتِن . مفاعِلن

گروه هشتم

- ۲۰ مستفعِلن . مستفعِلن : مستفعِلن . مستفعِلن

گروه نهم

۲۱ مستفعلن . فعولن : مستفعلن . فعولن

گروه دهم

۲۲ عل . مستفعل : مستفعل . مفعولن

گروه یازدهم

۲۳ مستفعل . مفعولن : مستفعل . مفعولن

گروه دوازدهم

۲۴ لن . مفتعلن : مفتعلن . مفتعلن

۲۵ مفتعلن : مفتعلن . فاعلن

گروه سیزدهم

۲۶ فاعلن . فاعلن : مفتعلن . فاعلن

گروه چهاردهم

۲۷ فعولن . فعولن : فعولن . فعولن

۲۸ فعولن . فعولن : فعولن . فعو

گروه پانزدهم

۲۹ مفعولن . مفعولن : مفعولن . مفعو

گروه شانزدهم

۳۰ مفاعلاتن . مفاعلاتن

گروه هفدهم

۳۱ لاتن : فعلاتن . مفاعلاتن

گروه هیجدهم

۳۲ تاتن : مفاعلن . فعلاتاتن

گروه نوزدهم

عولن: فعلاتن . فعولن ۳۳

گروه بیستم

عیلن: فعلاتن . مفاعیلن ۳۴

گروه بیست و یکم

علن: مفعلاتن . مفاعلن ۳۵

۱۳ - مطالع اشعار رودکی بر حسب وزن عروضی

اینک به ادامه جدول کامل نخستین مصرع‌ها در اشعار بازمانده از رودکی که بر حسب وزن عروضی آنها تنظیم شده است میپردازم و قبل از خود فهرست توضیح دو نکته ذیل را لازم میدانم:

۱ - در دست راست نخستین مصرع هر مطلع ، عددی که حاکی از شماره ابیات آن شعر (اعم از قصیده و غزل و قطعه) میباشد گذاشته‌ام . هر جا که شعر مورد اشاره منحصر به تک بیت است تلخیص آن به يك مصرع مناسب دانسته نشد و تمام بیت نقل شده‌است

۲ - هر جا که شعر مورد اشاره عبارت از قطعه است و قافیه مصرع دوم آن با کلمات نهائی مصرع اول آن فرق دارد ، کلمه قافیه قطعه در همان سطر پس از چند نقطه ذکر شده است .

جدول ۴ : مطالع اشعار رودکی بر حسب وزن عروضی
گروه اول : مفاعیلن مفاعیلن

وزن ۱ . مفاعیلن . مفاعیلن : مفاعیلن . مفاعیلن

۳ نگارینا شنیدم که گاه محنت و راحت (. . . اندر)

۲ زمانی برق پر خنده زمانی رعد پرناله

۵ بیار آن می که پنداری روان یا قوت نابستی

۱ ندارد میل فرزانه به فرزند و به زن هرگز

ببردنسل این هر دو نبرد نسل فرزانه

۱ منم خو کرده بر بوسش چنان چون باز بر مسته
بر آرم بانگ از بوسش چنان چون بشکنی بسته

وزن ۲ - مفاعیلن : مفاعیلن . مفاعی (= فعولن)

۳ دلاناکی همی جوئی منی را

۳ جهان این است و چونین است تا بود (..... یارا)

۲ رفیقا چند گوئی کونشاطت ؟ (..... آفروشه)

و ابیات متعدد از مثنوی به همین وزن

گروه دوم : مفاعلن . فعلاتن

وزن ۳ - مفاعلن . فعلاتن : مفاعلن . فعلاتن

۱ همه نیوشه خواجه به نیکوئی و به صلح است

همه نیوشه نادان به جنگ و فتنه و غوغاست

وزن ۴ - لن . فعلاتن : مفاعلن . فعلاتن

۲ با خردمند بیوفابود این بخت

۱۶ دیر زیاد آن بزرگوار خداوند

۹۴ مادرمی را بکرد باید قربان

۲ لنگ رونده است ، گوش نی و سخن یاب (.... جهان بین)

۱ جغد که با بازو با کلنگان پرد

بشکنندش پروبال و گردد لت لت

۱ راهی آسان و راست بگزین ای دوست

دور شو از راه بی کرانه ترفنج

۱ ماهی دیدی کجا کبوتر گیرد

تیغ ماه است و دشمنانت کبوتر

۱ گر کسی بودی که زی توام بفکندی

خویشتن اندر نهادمی به خلاص

(از ترجمان البلاغه رادویانی):

۱ تنت يك و جان یکی و چندین دانش

ای عجباً، مردمی تو یادریائی

وزن ۵ - علاتن : مفاعلن . فعلاتن

- ۱ جوانی گسست و چیره زبانی
و طبعم گرفت نیزگرانی

وزن ۶ - مفاعلن . فعلاتن : مفاعلن . فعلن

- ۵ زهی فزوده جمال توزیب و آرا را
۳ زمانه پندی آزاد وار داد مرا (.... پنداست)
۳۴ مرا بسود و فروریخت هرچه دندان بود
۲ چهار چیز مر آزاده را زغم بخرد
۲ روان ز دیده افلاکیان شود جیحون (... کمان لیسد)
۵ اگرچه عذرسی بود روزگار نبود
۵ خیال رزم تو گردد دل عدو گذرد (... از بند)
۲ جهان به گام خداوند باد و دیر زیاد
۲ خدای عرش جهان را چنین نهاد نهاد
۲ دریغ مدحت چون زرو آبدار غزل
۲ بدور عدل تو در زیر چرخ مینائی (... فتور)
۳ همی بکشتی تا در عدو نما ندشجاع (... فقیر)
۲ همی بر آیم با آنکه بر نیاید خلق (... گریز)
۲ رهی سوار و جوان و توانگر از ره دور (... نیک اندیش)
۲ بسا که مست درین خانه بودم و شادان (... ملوک)
۳ کسان که تلخی زهر طلب نمیدانند (... سؤال)
۴ سماع و باد گلگون و لعبتان چوماه
۴ مشوش است دلم از کرشمه سلمی
۲ شپید برف بر آمد به کوهسار سیاه (... بوستان آرای)
۵ برای پرورش جسم و جان چه رنجه کنم؟ (... سگبانی)

وزن ۷ فعلاتن : مفاعلن . فعلن

- ۵ گل صد برگ و مشک و عنبر و سیب
۴ این جهان پاک خواب کردار است

- ۶ به سرای سپنج مهمان را (... نه رواست)
- ۴ رود کی چنك برگرفت و نواخت
- ۲ مرغ دیدی که بچه زوبیرند (... چونان است)
- ۲ مهر مفکن براین سرای سپنج (... نیرنج)
- ۵ شاد زی با سیاه چشمان ، شاد
- ۴ ملکا جشن مهرگان آمد
- ۲ گل دگرره به گلستان آمد
- ۴ مهتران جهان همه مردند
- ۷ وقت شبگیربانك ناله زیر
- ۳ رگ که با اندشار بنمائی (... گفتار)
- ۷ زندگانی چه کوتاه و چه دراز
- ۳ گر نه بدبختی مرا که فکند (... غرس)
- ۶ کاروان شهید رفت از پیش
- ۲ ای لك از نازخواهی و نعمت (... لك و پك)
- ۳ چون گسی کردم به دستك خویش (... افکندم)
- ۳ یاد کن زبیرت اندرون تن شوی (... ستان)
- ۲ چمن عقل را خزانگی اگر (... بهار توئی)
- ۲ این جهان را نگر به چشم خرد (... نگری)
- ۲ جعد همچون نورد آب به باد (... شکستستی)

– و ابیات متعدد از مثنوی به همین وزن

گروه سوم: مفاعلن فاعلن

وزن ۸- مفاعلن. فاعلن: مفاعلن. فاعلن

۱ بحق آن خم زلف بسان منقار باز

بحق آن روی خوب کزو گرفتنی بر از.

گروه چهارم: فاعلاتن. فاعلاتن

وزن ۹- تن: فاعلاتن. فاعلاتن

۱ بی تو مرا زنده نبینند

من ذره ام تو آفتابی

وزن ۱۰ - فاعلاتن . فاعلاتن : فاعلاتن . فاعلن

۲ پشت گوژ و سرتویل و روی بر کردار نیل (... استره)

وزن ۱۱ - فاعلاتن : فاعلاتن . فاعلن

۲ حاتم طائی توئی اندر سخا

۲ یخچه میبارید از ابر سیاه (... آسمان)

۲ جمله صید این جهانیم ای پسر (... زغن)

۶ بوی جوی مولیان آید همی

۲ مار راهر چند بهتر پروری

- وایات متعدد به همین وزن از « کلیله و دمنه »

گروه پنجم : فاعلاتن فاعلاتن

وزن ۱۲ - علاتن . فاعلاتن : فاعلاتن . فاعلاتن

۱ دل از دنیا بردار و به خانه بنشین پست

فرا بند در خانه به فلج و به پزاوند

۱ شدم پیر بدین سان و تو هم خود نه جوانی

مرا سینه پران جوخ و تو چون چفته کمانی

وزن ۱۳ - لاتن . فاعلاتن : فاعلاتن . فاعلاتن

۵ چون تیغ به دست آری ، مردم نتوان گشت

۲ اندی که امیر ماباز آمد پیروز (... شاید)

۳ درواز و در یواز فرو گشت و بر آمد (... دیوار)

۲ بیا دل و جان را به خداوند سپاریم

وزن ۱۴ - علاتن : فاعلاتن . فاعلاتن

۱ که فرغول پدید آید آن روز

که بر تخته تور اتیره شود نام

وزن ۱۵ - فاعلاتن . فاعلاتن : فاعلاتن . فعلن

۲ کس فرستاد به سر اندر عیار مرا

- ۲ چاکرانت به گه رزم چو خیاطانند (... به تیر)
 ۲ گرشود بحر کف همت تو موج زنان
 ۱ از خروپالیک آنجای رسیدم که همی
 موره چینی میخوامم واسب تازی

وزن ۱۶ - فعلاتن : فعلاتن . فعلمن

- ۴ صرصر هجرتوای سرو بلند
 ۲ ضیغمی نسل پذیرفته زدییو (... یکران)
 ۱ مهرخواهی زمن و بیمهری
 هده جوئی زمن و بیهده ای.

گروه ششم : فعلاتن فعلمن

وزن ۱۷ - فعلاتن . فعان : فعلاتن . فعلمن

- ۱ یاربادت توفیق روزبھی باتور فیک
 دولت باد حریف ، دشمنت غیشه و نال
 گروه هفتم : فعلاتن مفاعلمن

وزن ۱۸ - فعلاتن . مفاعلمن : فعلاتن . مفاعلمن

- ۱ گر کند یارئی مرا به غم عشق آن صنم
 بتواند زدود زین دل غمخواره زنگ غم

وزن ۱۹ - لاتن . مفاعلمن . فعلاتن . مفاعلمن

- ۱۸ آمد بهار خرم بار زنگ و بوی طیب
 ۲ ای خواجه اینهمه که تو بر میدهی شمار
 ۲ ز آن می که گرسرشکی از آن بر چکد به نیل (... نهنگ)
 ۴ هان صائم نواله این سفله میزبان
 ۲ ای مج کنون تو شعر من از بر کن و بخوان
 ۲ من موی خویش رانه از آن میکنم سیاه
 ۴ تاخوی ابر گلرخ تو کرده شبینی

۳ بی قیمت است شکر از آن دو لبان اوی
گروه هشتم : مستفعلن . مستفعلن

وزن ۲۰ - مستفعلن . مستفعلن : مستفعلن . مستفعلن

۱ خوش آن نبید غارچی بادوستان یکدله
گیتی به سیماب اندرون مجلس به بانگ و لوله
گروه نهم : مستفعلن فعولن

وزن ۲۱ - مستفعلن . فعولن . مستفعلن . فعولن

۲ دریادو چشم و آتش بردل همی فزاید
۱ خوبان همه سپاه اند او شان خدا یگان است
ونیک بختی ام را بر روی او نشان است
۱ تازنده ام مرانیست جز مدح تو دگر کار
کشت و درو دم این است خرمن همین و شد کار
گروه دهم : مستفعلن . مستفعلن

وزن ۲۲ - عمل . مستفعلن : مستفعلن . مستفعلن (= مفعولن)

۲ زه دانارا گویند که داند گفت (؟) هیچ نادان را داننده نگوید زه
سخن شیرین از زفت نیاید بر بزبه «بج بج» بر هر گز نشود فربه
۱ گر همه نعمت یک روز به ما بخشد
ننهلمنت بر ما و پذیرد هن
گروه یازدهم : مستفعلن مفعولن

وزن ۲۳ - مستفعلن . مفعولن : مستفعلن . مفعولن (= مستفعلن)

۱ مرده نشود زنده ، زنده به ستودان شد
آئین جهان چونین تا گردون گردان شد
۱ گیتیت چنین آید گردنده بدینسان هم
هم بادیرین آیدو هم باد فروردین (؟)
۱ یکسونهمش چادریکسونهمش موزه
این مرده اگر خیزد ورنه من و جلغوزه

گروه دوازدهم : مفتعلن مفتعلن

وزن ۲۴ - ان . مفتعلن : مفتعلن . مفتعلن

(این وزن رباعی است. فقط مصرع اول هر رباعی ذکر شده است)

.... هر روز بر آسمانت بادامروا

جائی که گذرگاه دل محزون است

با آنکه دلم از غم هجرت خون است

تقدیر که از کشتنت آزرم نداشت

در رهگذر باد چراغی که تورا است

چشمم ز غمت به هر عقیقی که بسفت

دل خسته و بستهٔ مسلسل موئیست

... بنلاد تو شد تربیت خواجه ولیک (... توباد)

... ببنود تنم بر درم و آب وزمین (... ببنود)

بی روی تو خورشید جهانسوز مباد

جز حادثه هرگز طلبم کس نکند

چون روز علم زند به نامت ماند

زلفش بکشی شب دراز اندازد

نامت شنوم دل ز فرح زنده شود

هان تشنه جگر مجوی زین باغ ثمر

آمد بر من. که؟ یار. کی؟ وقت سحر

چون کشته بینی ام ، دولب گشته فراز

در جستن آن نگار پر کینه و جنگ

بر عشق توام نه صبر پیدا است نه دل

یوسف روئی کز و فغان کرد دلم

واجب نبود به کس بر افضال و کرم

در منزل غم فکنده مفرش مائیم

در پیش خود آن نامه چو بلطامه نهم

... از گیسوی او نسیمك مشک آید (... نسترون)

در عشق چورود کی شدم سیرازجان
 دیدار به دل فروخت . نفروخت گران
 رویت دریای حسن ولعلت مرجان
 ای از گل سرخ رنگ بر بوده و بو
 زلفت دیدم سراز چمان پیچیده
 چون کار دلم ز زلف او ماند گره
 چرخ کجه باز تانها ن کرد کجه
 رخساره او پرده عشاق درید (.... پرده)
 ای طرفه خوبان من ای شهره ری
 از کعبه کلیسیا نشینم کردی
 دل سیر نگر دت زبیداد گری
 باداده قناعت کن و باداد بزی
 آن خرپدرت به دشت خاشاک زدی
 نارفته به شاهراه وصلت گامی
 گر بر سرفس خود امیری مردی

وزن ۲۵ - مفتعلن : مفتعلن . مفتعل (= فاعلن)

- ۲ پوپک دیدم به حوالی سرخس (.... اندرا)
 ۱۲ مرد مرادی ، نه همانا ، نمرد
 ۲ زلف تورا جیم که کرد آنکه او (.... جیم کرد؟)
 ۲ چرخ فلک هرگز پیدا نکرد (.... ژکور)
 ۲ روی به محراب نهادن چه سود (.... طراز)
 ۲ خلخیان خواهی و جماش چشم (.... میان)
 ۲ ای دریغا که خردمند را ... خردمندی
 ۲ جامه پر صورت دهرای جوان (مثنوی دردو بیت)

گروه سیزدهم : مفتعلن فاعلن

وزن ۲۶ - مفتعلن . فاعلن : مفتعلن . فاعلن (= مفتعل)

- ۲ نیزابانیکوان نباید جنگ و فند

گروه چهاردهم : فعولن فعولن

وزن ۲۷ - فعولن . فعولن : فعولن . فعولن

- ۲ کسی را که باشد به دل مهر حیدر
۱ بوداعورو کوسج ولنکگ وبس من
نشسته بررو چون کلاغوبراعور [در مذمت اسب خود]
۲ کسی را چون دوستگان می چه باید؟ (.... دوستگانی)

وزن ۲۸ - فعولن . فعولن : فعولن . فعو

- ۲ جهانچه بینی نواز بیچگان
۵ مر اجوداوتازه دارد همی (... کشتزار)
۲ می لعل پیش آروپیش من آی (... چنگ)
- وایات از مثنوی به همین وزن
گروه پانزدهم : مفعولن مفعولن

وزن ۲۹ - مفعولن . مفعولن : مفعولن . مفعو (= فعلن)

- از ترجمان البلاغة رادویانی:
۱ سرواست آن یا بالا ماه است یاروی
زلف است یا چو گان خال است آن یا گوی؟
گروه شانزدهم : مفاعلاتن مفاعلاتن

وزن ۳۰ - مفاعلاتن : مفاعلاتن

- ۲ گل بهاری ، بت تتاری
گروه هفدهم : فعلاتن مفاعلاتن

وزن ۳۱ - لاتن : فعلاتن : مفاعلاتن

- ۱ زلغینک او بر نهاده دارد
بر گردن هاروت زاولانه
۱ ای بارخدای ، ای نگارفتنه
ای دین خردمند راتورخنه

۱ ای مایه خوبی و نیکنامی

روزم ندهد بی توروشنایی

گروه هیجدهم : مفاعیلن فعلاتان

وزن ۳۲ - تاتن : مفاعیلن . فعلاتان

۲ بدناخوریم باده که ستانیم

۱۲ ای آنکه غمگینی و سزاواری

۲ ای غافل از شمارچه بیداری؟

۱ کیهان مابه خواجه عدمانی

عدن است و کارما همه بانداما

۱ تملك از آن گزیدم این کازه

کم عیش نی و دخل بی اندازه

۱ شاعر شهید و شهره فرالای

وین دیگران بجمله همه راوی

۱ ای بلبل خوش آوا، آواده

ای ضاقتی آن قدح را باماده

۱ با صد هزار مردم ، تنهایی

بی صد هزار مردم ، تنهایی

۱ چون برگ لاله بوده ام و اکنون

چون سیب پژمریده بر آونگم (از لغت فرس اسدی)

۱ جعدی سیاه دارد کز کشی

پنهان شود بدودر سرخاره

گروه نوزدهم : فعلاتن فعولن

وزن ۳۳ - عولن : فعلاتن . فعولن

۳ آن صحن چمن که ازدم وی (..... پلنگ است)

۲ تاکی گوئی که اهل گیتی (..... لثیم اند؟)

۱ بگرفت به چنگ چنگ و بنشست

بنواخت به شست چنگ را شست

۱ نه کشکری که دوختستی

نه گندم و جو فروختستی

گروه بیستم : فعلاتن مفاعیلن

وزن ۳۴ - عیلن : فعلاتن . مفاعیلن

۲ شاهمی که به روز رزم از رادی ... (پیکان)

۲ آن چیست بر آن طبق همی تابد (... عنابی)

۱ عاجز شود از غریو و اشک من

هر ابر بهار گاه بابختو

گروه بیست و یکم : مفتعلاتن ، مفاعیلن

وزن ۳۵ - عین : مفتعلاتن . مفاعیلن

۵ می آرد شرف مردمی پدید

۱ مرا با تو بدین باب تاب نیست که تو راز به از من بسربری . (در مصرع دوم

«تو» را باید با ضمه ممدود خواند)

۱۴ - چند توضیح عروضی

از نظر عروضی شایسته است که توضیحاتی درباره بعضی از این اوزان داده شود.

وزن ۱۷ - فعلاتن . فعلن : فعلاتن . فعلن

یار بادت توفیق ، روز بهی با توفیق - دولت باد حریف ، دشمن غیبه و نال

این بیت را شاید بتوان بنحو ذیل تقطیع کرد :

فاعلاتن . فعلن : فاعلاتن . فعلن

ولی من تقطیع اول را طبیعی تر میدانم و معتقدم در این بیت بنا بر يك آزادی

عروضی که تا امروز نیز معمول است «فاعلاتن» به «فاعلاتن» تبدیل شده است. رودکی

در نخستین سیلاب از بیت دیگر خود که ذیلا بعنوان نمونه وزن شماره ۱۸ نقل میشود

همین آزادی عروضی را بکار بسته است.

فاعلاتن . مفاعیلن : فعلاتن . مفاعیلن

مگر کند یارئی مرا به غم عشق آن صنم - بتواند زدود زین دل غمخواره زنگ غم

به این وزن دو قطعه شعر دیگر در فارسی دیده ام . یکی از سوزنی است که چند بیت

ذیل از آن نقل میشود :

شمس برگشت ز چرخ هسچوزرین طبقو چادر لعل کشید گردگردون شفکو
 روزاز مابگریخت، شب چو درما آویخت لؤلؤ لالاریخت زیر نیلی طبقو
 مینمود از خرچنگ زهره را پیش آهنگ چوبه روی شه زنگ برچکیده عرقو

.....

قصه وزین سخن گو بدین قاعده کن فاعلاتن فعلن باق بق باق بقو
 (دیوان سوزنی مصحح دکتر ناصرالدین شاه حسینی. صفحه ۴۰۹)

درست است که سوزنی وزن این قطعه را «فاعلاتن فعلن» تشخیص داده است
 ونخستین پایه عروضی در همه نیم مصرعهای آن (سواى آغاز مصرع دوم از سومین
 بیتی که فوقاً نقل شده است) «فاعلاتن» است ولی پس از توجه به قطعه ذیل و توضیح
 مختصری که در باره آن میدهم روشن خواهد شد که وزن هر دو قطعه مانند بیت مورد
 بحث از رودکی بر اساس «فاعلاتن فعلن» است منتها بر طبق آزادی مجاز عروضی در
 بعضی موارد «فاعلاتن» به «فاعلاتن» تبدیل شده است.

باری قآنی قطعه‌ای به همین وزن در مطایبه دارد که چند بیت از آن ذیلا نقل
 میشود و معلوم است که قآنی در انشاء این قطعه به قطعه فوق منقول از سوزنی نظر
 داشته است :

یار کی هست مرا به لطافت ملکو به حلاوت شکر و به ملاحح نمکو
 دی مرا گفت به طیش «غم بر انگیخته جیش از پی مو کب عیش ساخت باید پز کو»

.....

هله قآنی ، هان ، نقد خود دارنهان که شد از غیب عیان نقدها رامجکو
 شمع شیراز منم ، نکته پرداز منم همه تن ناز منم ، تو چه گوئی کلکو؟
 فاعلاتن فعلن ، فاعلاتن فعلن هست تقطیع سخن دك دكادك ود کو.

توجه شود که در این چند بیت نیم مصرع‌های ذیل همه بر وزن «فاعلاتن فعلن»
 است نه «فاعلاتن فعلن» :

| | |
|-------------------|-----------------|
| به لطافت ملکو | به حلاوت شکر و. |
| به ملاحح نمکو. | هله قآنی هان |
| که شد از غیب عیان | تو چه گوئی کلکو |

بعلاوه قآنی که استاد مسلم عروض فارسی بوده و به هر حال در این فن از سوزنی کمتر نیست صریحاً در مصرع اول از آخرین بیت این قطعه تقطیع سخن را «فعلاتن فعلن» آورده است.

وزن جالبی است و من فقط همین سه نمونه را (از رودکی و سوزنی و قآنی) در میان اشعار شعرای عمده فارسی به این وزن دیده‌ام. حتی مولوی در غزلهای خود چنین وزنی را به کار برده است. خوشوقت و ممنون خواهم شد اگر عاشقان عروض فارسی نمونه‌های دیگری از اشعار به این وزن را که سراغ دارند بتوسط مطبوعات به اطلاع همگان برسانند.

وزن ۲۲ : عل . مستفعل : مستفعل . مستفعل (مفعولن)

زه دانارا گویند که داند گفت هیچ نادان را داننده نگوید زه

سخن شیرین از زفت نیاید بر بز به «بج بج» به هرگز نشود فربه

این وزن بر اساس پایه عروضی مستفعل که استثنائی آخرین سیلاب آن کوتاه است (ویگانه استثناء ازین صیت در سرتاسر عروض فارسی است) ساخته شده است. وزن کامل از چهار بار تکرار مستفعل (ولی با حذف و ویل از پایان چهارمین پایه و تبدیل آن به مفعولن برای خاطر رعایت اصل درازی آخرین سیلاب در هر وزن) ساخته شده است. نمونه خوبی از وزن کامل مزبور بیت مشهور ذیل از سعدی است:

(مستفعل . مستفعل : مستفعل . مفعولن)

گوئی رگ جان می‌گسلد نغمه ناسازش

ناخوشر از آوازه مرگ پدر آوازش .

وزن شماره ۲۲ در اشعار رودکی بوسیله حذف دو سیلاب نخستین از همین وزن کامل مشتق شده است و نمونه‌های متعدد از این وزن محذوف در دست است از آن جمله است مسمط شیوای منوچهری که نخستین دو مصرع این چنین است .

شادباشید که جشن مهرگان آمد - بانگ و آوای درای کاروان آمد

مصرعهای ذیل از این مسمط بادقت بیشتری مطابق فرمول عروضی این

وزن هستند :

بنشانید و به لب خرد بخائیدش

سفری کردش و چون وعد فراز آمد
نگرید آبی و آن رنگ رخ آبی

جالب است که اشعار متعدد از زمان رودکی به این وزن ساخته شده است و اینک
چند نمونه از آنها:

منوچهری :

با همه زیر کی و رندی و کاردانی
نخل این کار بر آورد پشیمانی
نیز مسط مذکور در فوق

فرخی :

باغ پر گل شد و صحرا همه پرسوسن
آبها تیره و می تلخ و خوش و روشن
مسعود :

راست کن طارم و آراسته کن گلشن
تازه کن جانها جانا به می روشن
ناصر خسرو :

چند گوئی که چو هنگام بهار آید
گل به بار آید و بادام به بار آید
در دلم تابه سحر گاه شب دوشین
هیچ نار امید این خاطر روشن بین
بگذرای باد دل افروز خراسانی
بر یکی مانده به امکان دره زندانی

امیری (ادیب الممالک فراهانی)

این نبینی که چو هنگام بهار آید
شاخ خرم شود و غنچه به بار آید؟
به چراگاه چو در شد سپه انجم
کوفتندی به سر سبزه غزالان سم
از وزن کامل (مستفعل . مستفعل : مستفعل . فعولن) با حذف تمام پایه اول نیز وزن
شیرین دیگر ذیل مشتق میشود:

مستفعل : مستفعل . مفعولن

ولی بحث درباره وزن اخیر از موضوع مستقیم این تحقیق خارج است.

وزن ۲۹ - مفعولن . مفعولن : مفعولن . مفعو

سرو است آن یا بالا ، ماه است آن یاروی؟

زلف است آن یا چو گان حال است یا گوی؟

این وزن از چهار مفعولن بر اثر حذف آخرین سیلاب وزن مشتق شده است

چنانکه وزن شاهنامه فردوسی بر اثر همین عمل عروضی (حذف آخرین سیلاب وزن کامل) از چهار «فعولن» اشتقاق یافته است .

مولوی يك غزل به وزن کاملی که وزن مورد بحث از آن مشتق شده است (یعنی چهارمفعولن) دارد که مطلع آن چنین است:

افتادم ، افتادم ، در آبی افتادم گر آبی خوردم من دلشادم دلشادم

وزن ۳۰ - مفاعلاتن . مفاعلاتن

گاهی اشعاری پروزی که مرکب از تکرار يك پایه پنج سیلابی در چهار نوبت است ساخته شده است و طبیعی است که مرکز تقارن در این اوزان بر طبق معمول عبارت از فاصله میان پایه دوم و پایه سوم باشد.

اما اینجانب نمونه (و شاید نخستین نمونه) وزنی را می بینیم که هر مصرع آن مرکب از دو پایه پنج سیلابی است . البته میتوان مرکز تقارن را در میان این دو پایه فرض کرد . ولی چنین عملی مستلزم فرض حذف يك پایه از آغاز و يك پایه از پایان وزن کامل است . و برخلاف قاعده منحصر بودن حذف در اوزان فارسی بر سه نوع است که تحت عنوان «وزن کامل و اوزان محذوف» فوقاً ارائه شد .

به نظر من صحیح تر و دقیقتر آن است که این گونه اوزان را مشمول حذف از آغاز و وزن کامل بدانیم و بگوئیم هر دو پایه از آغاز وزن کامل حذف شده وزن مورد بحث را پدید آورده است . در این صورت دو نقطه یا هر علامت دیگری که برای مرکز تقارن وزن قبول کنیم باید درست قبل از پایه اول گذاشته شود و به عبارت دیگر نشان بدهد که فقط نیمه دوم از وزن کامل برجای مانده است .

۱۵ - ارزش سکنه عروضی .

یکی از نکاتی که وضع بسیار پیشرفته عروض فارسی را در زمان رودکی میرساند و ضمناً حاکی از منتهای استادی او در عروض فارسی است سکنه های مشکل و دقیق عروضی است که وی در شعر خود به کار برده است و بعضی از نمونه های آن زیلا ارائه میشود . (علامت صفحه در هر مورد مربوط به دیوان مصحح براگینسکی است) .

ص ۱۱۰ ب ۵- آزار بیش زین گردون بینی گر توبه هر بهانه بیازاری

ص ۱۱۰ ب ۶- گوئی گماشته است بلائی او بر هر که تو برو دل بگماری

- ص ۱۶۰ ب ۳- جغد که باباز و با کلنگان پرد بشکندش پروبال و کردد الت لت
 ص ۱۶۲ ب ۴-
 دل از دنیا پرد آر و به خانه بنشین پست فرایند در خانه به فلج و به پڑاوند
 ص ۱۶۸ ب ۵-
 ماهی دیدی کجا کبودر گیرد تیغت ماه است و دشمنانت کبودر
 ص ۱۷۸ ب ۳-
 که فرعون پدید آید آن روز که بر تخته تو را تیره شود نام
 ص ۱۸۲ ب ۳-
 گرمه نعمت یک روز به ما بخشد نهد منت بر ما و پذیرد
 ص ۱۹۲ ب ۱-
 تنت یک و جان یکی و چندین دانش ای عجا مردمی تو یاد ریائی؟
 ص ۲۳۲ ب ۶-
 رای وزیران تو را بکار نیاید هر چه صواب است بخت خود فرماید.

۱۶- ابتکارهای رود کی از حیث وزن

اشعار دارای اوزان ذیل (و شاید چند وزن دیگر نیز) تا آنجا که اطلاع دارم نخستین نمونه‌های شعر به این اوزان در ایران اسلامی هستند. پس در هر مورد تا وقتی که نمونه دیگری به همان وزن ولی متعلق به شاعری قبل از رود کی به دست نیامده باشد باید گفت اگر رود کی آن وزن را مستقیماً از ایران قبل از اسلام نگرفته باشد وزن مزبور از مخترعات عروضی خود اوست.

جدول ۷: اوزانی که محتملاً از ابتکارات عروضی رود کی است

| شماره | فرمول عروضی |
|-------|---------------------------------|
| ۵ | علاتن : مفاعلن . فعلاتن |
| ۸ | مفاعلن فاعلن : مفاعلن : فاعلن |
| ۹ | تن : فاعلاتن . فاعلاتن |
| ۱۴ | علاتن : فعلاتن . فعلاتن |
| ۱۷ | فعلاتن . فعلمن : فعلاتن . فعلمن |

| | |
|----|------------------------------------|
| ۱۸ | فاعلاتن . مفاعلن : فعلاتن : مفاعلن |
| ۲۲ | عل . مستفعل : مستفعل . مفعولن |
| ۲۹ | مفعولن . مفعولن : مفعولن . مفعو |
| ۳۰ | مفاعلاتن . مفاعلاتن |
| ۳۱ | لاتن : فعلاتن . مفاعلاتن |
| ۳۲ | تاتن : مفاعلن . فعلاتاتن |
| ۳۵ | علن : مفتعلاتن . مفاعلن . |

۱۷ - يك ابتكار رودكى از حيث قافيه

هر دو مصرع در همه ابیات از قطعه‌ای که چنین شروع میشود:

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی

دارای قافیه و ردیف واحد هستند . بعداً فرخی و مخصوصاً مولوی اشعاری از این گونه ساختند که شاید بتوان آن نوع را منفی المصرعین خواند . بهر حال چون قبل از رودکی چنین نوع شعری در زبان فارسی سراغ نداریم باید عجلتاً آن را از ابتکارات رودکی در قالب شعری فارسی دانست.

۱۸ - ادبیات نامفهوم

صورت متن ابیات ذیل را مغشوش و نامفهوم یافتیم و از اظهار نظر درباره وزن عروضی آنها معذورم :

۱ ای پرتورسیده بهریك (يك؟) چاره علوم از حال من ضعیف جوئی چاره

*

۲ ای دل سزایش بری باز بر چنگل عقابی

*

۳ هست از مغز سرت ای منگله همچو روش مانده تهی کشکله

*

از دانشنامه قدرخان:

۴ کز شاعران نوتدمنم و نوگواره يك بیت پرنیان کنم از سنك خاره

* ۵ از پی الفغده و روزی بجهد جانور سوی سپنج خویش جو بانودوان

*
از لغت فرس اسدی :

۶ بدان مرغک مانم که همی دوش بر آن شلنگ گلبن همی فنود

۷ میانکش نازکک چو شانه مو گوئی از یکدگر گسستستی

۸ سنجد چیلان بدونیمه شده سرمه بدو یک یک ذره

۹ ای پیرغونه و باز گونه جهان ماندومن از توبه شگفت اندرا

۱۰ ستاخی بر آمداز بر شاخ درخت عود - ستاخی زمشک و شاخ زعنبر درخت عود.

(بر اگینسکی در پایان این بیت علامت سؤال گذاشته است)

۱۹ - تکرارها در چاپ براگینسکی

در چهار مورد رود کی چاپ براگینسکی بینی را عیناً یا تقریباً بالتمام مکرر یافتم و ذیلاتوجه استاد مصحح را به آنها جلب میکنم :

۱ - صفحه ۶۴ :

بسا کسا که بره است و فرخسه بر خوانش بسا کسا که جوین نان همی نیابد سیر

صفحه ۱۷۲

بسا کسا که جوین نان همی نیابد سیر بسا کسا که بره است و فرخسه بر خوانش

*
۲ - صفحه ۱۲۶ :

بفنود تنم بر درم و آب وزمین دل بر خرد و علم و به دانش بفنود

صفحه ۳۱۸ :

بفنودم به جهان پرورم و آب وزمین دل تو بر خرد و دانش و خوبی بفنود.

بر درم (۴)

۳ - صفحه ۱۵۴

همه نیوشه خواجه به نیکوئی و به صلح است

همه نیوشه نادان به جنگ و فتنه و غوغاست

همه نیواشه خواجه به نیکوئی و به صلح است همه نیوشه نادان به جنگ و فتنه و غوغا

*

۴ - صفحه ۲۶۸

خویشتن دارباش و بی پر خاش هیچ کس را مباحش عاشق و غاش

صفحه ۴۷۰

خویشتن دارباش و بی پر خاش رو با غاش اندرون مخراش

۲۰ - اشتباهات عروضی در چاپ برگینسکی

در موارد ذیل متن شعر رود کی طوری چاپ شده است که به نظر من غلط است

و در هر مورد غلط چاپی بعلت عدم توجه به وزن عروضی شعر پدید آمده است:

| صفحه | غلط | درست |
|------|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ۴۴ | آزاده نژاد از درم خرید | و آزاده ... |
| ۴۴ | خاصه چو گل و یاسمن دمید | و خاصه ... |
| ۱۱۰ | بر هر که تودل برو بگماری | بر هر که تو برو دل بگماری |
| ۱۱۴ | ای وید غافل از شمار چه پنداری | ای غافل از شمار چه پنداری |
| ۱۸۰ | هنوز بامنی و از نهیب رفتن تو من | هنوز بامنی و از نهیب رفتن تو من (?) |
| ۱۸۰ | به روز و وقت شمارم به شب ستاره شمارم | به روز وقت شمارم به شب ستاره شمار |
| ۱۸۶ | گیتیت چنین آید گردنده بدینسان هم | گیتیت چنین آید گردنده بدینسان (?) |
| ۱۸۶ | هم باد برین آید و هم باد فروردین | هم باد برین آید و هم باد فرودین (?) |
| ۱۸۸ | عاجز شود از اشک و غریو من | عاجز شود از غریو و اشک من |
| ۱۹۲ | زلفینک او نهاده دارد | زلفینک او بر نهاده دارد (?) |
| ۲۰۸ | از خراسان بروز طاوس وش | از خراسان برد مد طاوس وش (?) |
| ۲۸۲ | ای ساقی آن قدح باماده | ای ساقی آن قدح را باماده |
| ۲۸۲ | طبعم گرفت نیز گرانی | و طبعم ... |
| ۲۸۴ | بحر هزج | بحر سریع |
| ۳۰۸ | گفت ای من مرد خام کل درائی | کل درای |

| | |
|--|------------------------------------|
| گاه آرمیده و گه آرغده | گاه آرمیده (؟) |
| » » » » | آرمیده گه و گه آرغده (؟) |
| ۳۲۸ کجامیر خراسان است پیروزی آنجاست سیلاب اول زائداست. شاید این يك آزادی عروسی بوده که حالا متروک شده است. | |
| ۳۳۲ کار همه راست چنانکه بیاید | کار همه راست شد چنانکه بیاید (؟) |
| ۳۳۲ حال شاد است شاد باشی شاید | «حال» غلط است ، سه سیلاب لازم است. |
| ۳۳۲ اندوه و اندیشه را دراز چه داری؟ | اندو و اندیشه را |
| ۳۳۲ ای وزیران تور ابکار نیاید | رای وزیران (؟) |
| ۳۳۴ چرخ نیارد بدل توز خلاق | چرخ نیارد بدیل توز خلاق |
| ۳۵۴ با پسندر کینه دارد همچو باد ختندر | دختند را (؟) |

۲۱ - اصالت عروض فارسی

بادی ، بما گفته شده است که ما اوزان شعری خود را از عرب گرفتیم . مطالعه اوزان شعری رودکی ثابت میکند که عروض ایران در زمان او نه تنها از عروض عرب در آن زمان ، بلکه از عروض عرب در یازده قرن بعد از او (یعنی امروز) نیز بی پیشرفته تر و وسیعتر بوده است . پس اگر ما اوزان شعری خود را از عرب گرفته باشیم باید پرسید دوره تکامل آن اوزان نسبت به اصل عربی خود از کی آغاز شده ، چقدر طول کشیده و نشان مراحل مختلف (و ناچار متعدد) این تکامل که شامل دقایق علوم ریاضی و موسیقی و فنتیک میشود کدام است و کجاست ؟ اما کوچکترین نشانی از این مراحل سیر و تکامل عروض ایران از مبدا ادعائی اوزان عربی تا اوزان فارسی رودکی موجود نیست . نیز محال عقل است که يك سیستم کامل و دقیق علمی (که حتی پس از یازده قرن تمام هنوز در سراسر جهان متمدن بی نظیر و منفرد است) بنحوی ناگهانی و بی مقدمه ، و با اصطلاح خلق الساعه بوجود بیاید . پس ناچار باید چنین نتیجه بگیریم که اوزان عروضی رودکی و در حقیقت تمام سیستم عروضی زبان فارسی اصالت ایرانی دارد و همان است که قبل از اسلام (بلکه به قرائنی از زمان اشکانیان به

این طرف) در ایران وجود داشته است. بمناسبت متروک شدن زبان پهلوی، استفاده شعرای فارسی از این اوزان موقتاً متوقف شد ولی بمحضی که کار امتزاج زبان عربی با فارسی به آنجا رسید که زبان جدید برای شعر گفتن شایسته شد شعرای فارسی با استفاده از زبان جدید ولی به همان اوزان اصیل و معهود ایرانی که در اذهان مردم ایران محفوظ و زنده مانده بود به شعر گفتن پرداختند و در حقیقت از نظر انتخاب اوزان عروضی برای ایشان هیچ کاری جز این طبیعی بلکه امکان پذیر نبود.

۲۲ - عروض ایران از صدر اسلام تا رود کی

اینجاست که مطالعه عروضی اشعار و تصنیفهای معدود و متفرق فارسی در دوره اسلامی قبل از رود کی اهمیت خاص پیدا میکنند و باید مورد تحقیق و مطالعه جامع و مستقل قرار بگیرد. ولی استنباط من این است که در نتیجه این مطالعه دو نکته عمده روشن خواهد شد. یکی این که بعضی آزادیهای خفیف لفظی که بعداً در اوزان شعری فارسی متروک شده است در آن دوره مجاز و معمول بوده است. دیگر این که هیچیک از اشعار مزبور بر روزنی که جزو مجموعه اشعار رود کی نباشد سروده نشده است. از اینرو میتوانیم با میزانی اطمینان، بگوئیم که مجموعه اشعار رود کی شامل همه اوزان عروضی فارسی در ایران اسلامی قبل از او نیز بوده است و نتایجی که از مطالعه اوزان رود کی گرفته میشود در مورد همه اشعار فارسی از صدر اسلام تا زمان خود رود کی نیز صدق میکند.